خبر

تعداد مراکز توانبخشی جسمی و حرکتی کشور امسال به ۱۲۳۰ مرکز افزایش می یابد

مدیرکل دفتر توانبخشی روزانه و توان پزشکی بهزیستی کشور با بیان اینکه هم اکنون ۱۱۵۰مرکز توان بخشی جسمی و حرکتی در کشور فعال است، افزود: این تعداد تا پایان سالجاری به ۱۲۳۰ مرکز افزایش می یابد. به گزارش ایرنا، زهرا نوع پرست در آیین افتتاح اولین مرکز توانبخشی جسمی و حرکتی شهرستان گالیکش افزود: راه اندازی هر یک از این مراکز به طور متوسط برای هفت نفر ایجاد شغل می کند. وی با بیان اینکه این مراکز توسط بخش خصوصی دایر و زیر نظر بهزیستی فعالیت می کنند، یادآور شد: سازمان بهزیستی برای تداوم کار این مراکز به آنان یارانه پرداخت می کند. مدیرکل دفتر توانبخشی روزانه و توان پزشکی بهزیستی کشور تعداد مراکز توانبخشی فعال در استان گستان را در حال حاضر ۵۲ مرکز اعلام کرد و افزود: علاوه بر مرکز توانبخشی جسمی و حرکتی گالیکش که فعالیت خود را آغاز کرده، مرکز روزانه نگهداری سالمندان این شهرستان نیز تا پایان امسال راه اندازی می شود. رئیس اداره بهزیستی گالیکش نیز در این آیین در سخنانی گفت: هم اکنون ۱۸مرکز و موسسه در حوزه های توانبخشی، اجتماعی و پیشگیری با اشتغال بیش از ۱۰۰ نفر زیر نظر اداره بهزیستی به ارائه خدمات درمانی، توانبخشی، مشاوره ای و مددکاری می پردازند. علی رمضانی راد افزود: مرکزی که امروز افتتاح شد با ظرفیت ۱۵ نفر فعالیت خود را آغاز کرده که تا پایان سال ظرفیت آن به ۳۰نفر افزایش می یابد و خدماتی از قبیل کاردرمانی، فیزیوتراپی، گفتاردرمانی و روانشناسی بویژه برای کودکان فلج مغزی و دارای تاخیر حرکتی تحت پوشش ارائه می کند. وی هزینه راه اندازی این مرکز را بیش از ۸۰۰ میلیون ریال اعلام کرد. رمضانی راد گفت: هم اکنون بهزیستی این شهرستان بیش از ۲ هزارو ۲۰۰ مددجو و توانخواه را تحت حمایت دارد که از این تعداد برای ۱۷۰۰ مددجو پرونده جسمی حرکتی، نابینا، ناشنوا، عقب مانده ذهنی، دارای ضایعه نخاعی و صرع تشکیل داده شده و به آنان خدمات رایگان ارائه می شود.

یازدهمین نمایشگاه سراسری کتاب گلستان مهر ماه برگزار می‌شود

رئیس اداره فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان از برگزاری یازدهمین نمایشگاه سراسری کتاب گلستان در مهرماه سال جاری خبر داد. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان، فرشته آل نبی اظهار کرد: یازدهمین نمایشگاه سراسری کتاب گلستان از تاریخ ۲۴ لغایت ۲۹ مهرماه در محل نمایشگاه‌های بین‌المللی گرگان برگزار می‌شود. وی ادامه داد: با توجه به نیاز دانش آموزان و دانش جویان در سال جدید تحصیلی به منابع درسی تلاش شد، نمایشگاه کتاب استان در مهرماه امسال برگزار تا دسترسی گلستانی‌ها به کتاب‌های درسی تسهیل شود. آل نبی هدف از برگزاری نمایشگاه کتاب را دستیابی آسان و ارزان به ناشران کشور و تازه‌های نشر، ترویج فرهنگ مطالعه و آشتی خانواده‌ها، به‌ویژه کودکان و نوجوانان با کتاب عنوان کرد. وی در خاتمه یادآور شد: باید فرهنگ غنی و ایده‌های نو در کشورمان را در قالب نمایشگاه کتاب به نسل‌های جدید ارائه دهیم.

برخورد دو پراید در مینودشت ۶ مصدوم برجای گذاشت

مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر گلستان گفت: برخورد دو پراید در مینودشت ۶ مصدوم برجای گذاشت. حسین احمدی در گفتگو با مهر از وقوع حادثه برخورد دو پراید در پلیس‌راه مینودشت خبر داد و اظهار کرد: این حادثه شامگاه چهارشنبه رخ داد و ۶ مصدوم برجای گذاشت. وی افزود: سه مصدوم این حادثه توسط نیروهای هلال‌احمر و سه مصدوم دیگر توسط اورژانس به مراکز درمانی منتقل شدند. مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر گلستان گفت: شدت برخورد دو خودرو با یکدیگر زیاد بوده و حال مصدومین وخیم گزارش‌شده است.

آیت ا... نورمفیدی درباره شهرک سلامت گرگان:

همه به تصمیم کارشناسی احترام بگذارند

سرویس اجتماعی / الهه رمضان پور-درست یک سال پیش بود که دکتر ریاحی (رییس وقت دانشگاه علوم پزشکی گلستان) در مصاحبه مطبوعاتی با اصحاب رسانه از ساخت شهرک سلامت و بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی در شمال گرگان خبر داد و افزود: کارهای مطالعاتی و تحقیقاتی این پروژه به اتمام رسیده و زمینی به مساحت ۵۵ هکتار در شمال شهر گرگان و با دسترسی بسیار مناسب، جانمایی شده است. مدت زمان کوتاهی از این خبر نگذشته بود که رئیس شورای شهر جلین ضمن تکذیب سخنان دکتر ریاحی گفت: در راستای احداث بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی در دولت قبل، دکتر سمنانی رئیس وقت دانشگاه علوم پزشکی گلستان درخواست زمین اهدائی برای احداث این پروژه استانی و ملی را اعلام و پس از گذشت مدتی مردم شهر جلین در یک جهاد ملی ۱۲ هکتار زمین تهیه و در اختیار دانشگاه علوم پزشکی قرار دادند.

هر چند تا به اکنون صلح نامه ای بین شورای شهر جلین و رئیس مجمع خیرین استان امضا نشده است. دکتر ریاحی ضمن تشکر از اقدام خداپسندانه مردم شرق گرگان، به اعضای شورای شهر جلین و هیات امنا ساخت بیمارستان ۱۰۰۰ تخت خوابی در جلین اعلام کرد: ساخت بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی در زمین مورد نظر امکان پذیر نیست اما چنانچه مردم جلین به دنبال کار خیرخواهانه هستند می توانند زمین مورد نظر را در قالب مجمع خیرین به دانشگاه علوم پزشکی اهدا کنند تا دانشگاه با بررسی اولویت های خود، از آن زمین بهره برداری کند.اما این پیشنهاد دکتر ریاحی با مخالفت شدید اعضای شورای شهر جلین روبرو شد. زمان گذشت، با تودیع دکتر ریاحی و معارفه دکتر فاضل، همه چیز به یکباره عوض شد. بنا به گزارش خبرگزاری مهر؛ در خردادماه سالجاری توافقی بین مسئولان دانشگاه علوم پزشکی گلستان و اعضای شورای اسلامی شهر جلین انجام شد و بر اساس آن ۱۲ هکتار زمین پیشنهادی مردم شرق گرگان، برای ساخت شهرک سلامت و بیمارستان هزار تختخوابی به وزارتخانه معرفی شد.(این خبر تاکنون از سوی مسئولان دانشگاه علوم پزشکی گلستان، تکذیب نشده است.)بدنبال انتشار این خبر کارشناسان و صاحب نظران حوزه سلامت به منظور حمایت شهرک سلامت و بیمارستان هزار تختخوابی گرگان « کمپین حمایت از ساخت شهرک سلامت « را تشکیل دادند.

سکوت رییس دانشگاه علوم پزشکی گلستان!

با توجه به حساسیت ها و مناقشاتی که هم اکنون در ارتباط با جانمایی مناسب شهرک سلامت و بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی گرگان به میان آمده است انتظار می رفت رییس دانشگاه علوم پزشکی استان با شفاف سازی و اعلام روند چگونگی انتخاب زمین شهرک سلامت و بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی گرگان، به این مناقشات پایان می داد.

اما علیرغم پیگیری ها و درخواست های مکرر خبرنگاران و اصحاب رسانه، رییس دانشگاه علوم پزشکی گلستان، همچنان سکوت اختیار کرده و هیچ پاسخی در ارتباط با جانمایی مناسب شهرک سلامت و تصمیم گیری های صورت گرفته، ارائه نداده است

همه به تصمیم کارشناسی احترام بگذارند

خبر مناقشات بوجود آمده برای جانمایی مناسب شهرک سلامت و بیمارستان۱۰۰۰ تختخوابی گرگان و پنهان کاری های مسئولان دانشگاه علوم پزشکی گلستان و معرفی تنها یک زمین (زمین شرق گرگان) به وزارتخانه از نماینده ولی فقیه در استان گلستان پنهان نماند. آیت ا... نورمفیدی در جمع حامیان شهرک سلامت گفت: قبل از شما با دکتر فاضل (رییس دانشگاه علوم پزشکی گلستان) نشستی داشتم و به ایشان هم متذکر شدم که بنده به صورت مستقیم در این امر دخالت نمی کنم اما دانشگاه می بایست ۲ زمین پیشنهادی(زمین های پیشنهادی شمال و شرق گرگان) را جهت کارشناسی دقیق به وزارتخانه معرفی کند و این کارشناسان هستند که بعد از بررسی زمین های مذکور نتیجه را اعلام می کنند. وی افزود: برای ما اجرا و جانمایی مناسب « شهرک سلامت و بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی» بسیار مهم است و اجازه نمی دهیم کارهای بزرگ در استان، بر اساس تمایلات این و آن تخریب شود. به گفته وی؛ بعد از معرفی زمین های مذکور از سوی دانشگاه به وزارتخانه، منتظر اظهار نظر کارشناسان مربوطه خواهیم بود.نماینده ولی فقیه در استان گلستان با اشاره به ساخت غیرکارشناسی سد گتوند در استان خوزستان، سدی که تنها دستاوردش شور کردن کارون است، ادامه داد: نباید اجازه دهیم که کار بزرگی همچون پروژه « شهرک سلامت و احداث بیمارستان ۱۰۰۰ تختوابی گرگان» نیز همچون پروژه سد گتوند که بدون کارشناسی احداث شده بود، در استان راه اندازی شود. وی تصریح کرد: چنانچه در احداث سد گتوند در استان خوزستان از نظر کارشناسان و صاحب نظران استفاده شده بود، امروز شاهد از بین رفتن سرمایه مملکت نبودیم.نماینده ولی فقیه در استان گلستان از پیگیری ها و دل نگرانی های جمعی از صاحب نظران و شهروندان استان در ارتباط با جانمایی مناسب برای شهرک سلامت در گرگان، تقدیر بعمل آورد و تاکید کرد: شما از سوی دکتر هاشمی وزیر محترم بهداشت و مسئولان دانشگاه استان پیگیر معرفی هر ۲ زمین پیشنهادی به وزارتخانه باشید و مابقی کار را به کارشناسان محول سازید.

شمال گرگان ارجحیت دارد

معاون اقتصادی و توسعه استاندار گلستان در این رابطه گفت: با توجه به نیاز و کمبود تخت های درمانی در مرکز استان با احداث شهرک سلامت و بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی گرگان، بخش عمده ای از مشکلات کمبود تخت درمانی حل خواهد شد. محمود ربیعی با توجه به اهمیت جانمایی مناسب شهرک سلامت و بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی گرگان افزود: برای جانمایی مناسب شهرک سلامت و بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی توجه به شاخص ها، توجیهات فنی، خدماتی، ارتباطی و تاسیساتی و ... می بایست لحاظ شود. وی تصریح کرد: با توجه به شناختی که از شاخص های هر دو موقعیت مکانی (زمین های پیشنهادی شمال و شرق گرگان) دارم، شمال گرگان برای ساخت شهرک سلامت و بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی ارجحیت دارد. معاون اقتصادی و توسعه استاندار گلستان اضافه کرد: ضمن احترام به افکار عمومی و نظرات مردم شرق گرگان، باید متذکر شد در اجرای پروژه های بزرگی چون شهرک سلامت و بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی فشارهای محلی و سیاسی نباید دخیل شود. ربیعی تاکید کرد: اجرای پروژه شهرک سلامت و بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی گرگان از اولویت های استان است و اجازه نخواهیم داد با اعمال نفوذ برخی از افراد این پروژه بزرگ سلامت، به فنا رود. وی ادامه داد: احداث شهرک سلامت در گرگان به عنوان قطب درمان در شمال کشور برای توسعه و پیشرفت استان بسیار اهمیت دارد.

وزارت بهداشت، مصلحت استان را در اولویت قرار دهد

سید علی طاهری(نماینده سابق مردم گرگان و آق قلا در مجلس شورای اسلامی) به عنوان یکی از حامیان ساخت شهرک سلامت و بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی شهر گرگان می گوید: ساخت شهرک سلامت و بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی با توجه به زیرساخت های موجود در شرق گرگان، به مصلحت نیست. وی با تشکر از اقدام خداپسندانه مردم شریف جلین به منظور پیشنهاد زمین ۱۲ هکتاری برای ساخت بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی اضافه کرد: وزارت بهداشت و درمان می بایست ضمن کسب رضایت مردم جلین، مصلحت استان را در اولویت قرار داده و زمین مناسب تری را برای ساخت شهرک سلامت و بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی انتخاب نماید. به گفته وی؛ وزارت بهداشت می بایست بیمارستان کوچکتری را برای مردم شرق گرگان درنظر گرفته تا از زمین اهدایی برای ساخت بیمارستان کوچکتر و یا بیمارستان تخصصی استفاده شود. وی تصریح کرد: با در نظر گرفتن بیمارستان کوچکتر برای مردم شرق گرگان، از کارشناسان و مسئولان دانشگاه می خواهیم از زمینی مناسب تر و نزدیکتر به شهر گرگان برای ساخت شهرک سلامت و بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی استفاده کنند.

جلین زیرساخت های لازم را ندارد

کارشناسان حوزه اجتماعی و سلامت استان نیز با ذکر زیرساخت های واولویت های زمین های شمال گرگان معتقدند؛ شهر جلین فاقد زیرساخت های لازم برای احداث شهرک سلامت و بیمارستان هزار تختخوابی است.

انتقادهایی که تاکنون از سوی مسئولان دانشگاه علوم پزشکی گلستان بی پاسخ مانده است.

یک کارشناس حوزه اجتماعی و سلامت استان با اشاره به مجوز ساخت بیمارستان هزار تختخوابی گرگان گفت: در مجوز ساخت بیمارستان هزارتختخوابی شهر گرگان، قید شده است که بیمارستان مذکور به منظور جایگزینی بیمارستان های فرسوده پنج آذر و طالقانی می باشد.

یارمحمدی افزود: این پروژه برای مدتی رها شده بود که با رایزنی ها و پیگیری های انجام شده از سوی دکتر ریاحی (ریاست وقت دانشگاه علوم پزشکی گلستان) مقرر شد، شهرک سلامت و بیمارستان هزارتختخوابی گرگان در زمین های شمال گرگان به مساحت بالغ بر ۵۰ هکتار اجرایی شود. به گفته این کارشناس حوزه اجتماعی و سلامت استان، هیچ عقل سلیمی نمی پذیرد پروژه ای که اجرای آن، بیش از هزاران میلیارد تومان هزینه دارد را برای ۲ میلیارد (ارزش زمین پیشنهادی از سوی مردم شرق گرگان) فدا کند. متاسفانه ورود نگاه سیاسی به حوزه سلامت استان، باعث شده است پروژه شهرک سلامت و بیمارستان ۱۰۰۰ تختخوابی گرگان بلاتکلیف رها شده و مردم استان نیز از خدمات درمانی مناسب محروم بمانند.

امید است؛ مسئولان استان بخصوص نماینده ولی فقیه در استان، استاندار گلستان و معاونین وی، نمایندگان مردم گرگان و آق قلا در مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای شهر گرگان از این پروژه بزرگ حوزه سلامت دفاع و برای انتخاب جانمایی مناسب شهرک سلامت گرگان ورود پیدا کرده و اجازه ندهند با مکان یابی نامناسب، شهرک سلامت و بیمارستان هزار تختخوابی گرگان با هزینه ای بالغ بر هزار میلیارد تومان به فنا رود.

کلام آخر

گلستان گسل های زیادی برای تفرقه و انشقاق دارد قومیت و ایین ، شهری و روستایی ، شرقی و غربی و .... گسل هایی که می شد با تدبیر و عقلانیت از وجود آنها جلوگیری کرد و دیگر نیازی به گسلهای جدید مثل شمال و جنوب ندارد به این خاطر کلام ایه اله نورمفیدی باید کلام پایانی باشد تا همه بپذیریم در دنیای امروز تنها با کار دقیق علمی و کارشناسی حساب شده و بدور از زد و بند و لابی است که فردایمان بهتر از امروز خواهد بود و فردا و سالهای اتی مردمانی که می خواهند از آن امکانات احداث شده بهره ببرند شهادت خواهند داد که اقدام امروز ما از سر منطق بوده است یا با خودخواهی های قومی و ... و ایا توانسته ایم مصلحت عامه را بر منافع یک قوم ، محل و ... مقدم بداریم .در این میان باید دانشگاه علوم پزشکی مسوولیت را بدوش بگیرد و شفاف و معلوم درباره کمیت و کیفیت زمینهای و مسایل حاشیه ای این پروژه به مردم توضیح دهد تا بلایی مثل بلای پتروشیمی بر سر مردم گلستان نازل نشود .

برگزیدگان جشنواره پویانمایی رضوی معرفی شدند

اختتامیه نهمین جشنواره پویانمایی رضوی به میزبانی تالار فخرالدین اسعد گرگانی برگزار و برگزیدگان این جشنواره معرفی شدند. به گزارش مهر، اختتامیه نهمین جشنواره پویانمایی رضوی عصر چهارشنبه در تالار فخرالدین اسعد گرگانی برگزار و نفرات برتر این جشنواره معرفی شدند. این مراسم با قرائت بیانیه وزیر فرهنگ و ارشاد توسط حجت الاسلام علی اصغر فضیلت، دبیر جشنواره پویانمایی رضوی آغاز شد. ۱۲۴ اثر به نهمین جشنواره پویانمایی رضوی در گلستان که ا از این تعداد ۲۴ اثر متعلق به گلستان بود.این آثار شامل ۴۵ اثر انیمیشنی و ۷۹ فیلمنامه بود که نسبت به سال گذشته از رشد ۳۲ درصدی برخوردار است. در ادامه بیانیه هیئت داوران جشنواره توسط مسعود امامی قرائت شد و به برگزیدگان جشنواره هدایایی اهدا شد. در بخش فیلم و فیلم نامه، تندیس و دیپلم افتخار نفر اول بخش فیلمنامه به همراه مبلغ پنج میلیون تومان به فیلمنامه امیر حسین زاده نویسنده «همه برای ستاره هشتم» اهدا شد. دیپلم افتخار جشنواره و مبلغ سه میلیون تومان به نفر دوم بخش فیلمنامه کریم دیلمی معزی نویسنده «پاییز تاک ها» تقدیم شد. دیپلم افتخار جشنواره و مبلغ دو میلیون تومان به نفر سوم بخش فیلمنامه، محمد برومند نویسنده فیلمنامه «باز باران» اهدا شد. در بخش فیلم نیمه حرفه ای، به علت حضور فقط دو فیلم و نبود شرایط رقابت، هیئت داوران اعلام رأی نکرده و از دو فیلم مذکور تقدیر شد. در بخش فیلم حرفه‌ای هم هیئت داوران هیچ فیلمی را حائز رتبه اول ندانست، اما دیپلم افتخار جشنواره و جایزه نقدی به مبلغ ۶ میلیون تومان به عباس عباسی برای فیلم «سلام» اهدا شد. دیپلم افتخار جشنواره و جایزه نقدی به مبلغ پنج میلیون تومان برای فیلم «غریبه» به مهدی آقاجانی به عنوان نفر سوم اهدا شد. همچنین دیپلم افتخار و لوح تقدیر جشنواره به همراه مبلغ دو میلیون تومان به محمد افشار نژاد کارگردان فیلم «رستگاری» تقدیم شد.در ادامه مسئول دبیرخانه نهمین جشنواره پویانمایی رضوی از اکران ۱۱ فیلم در حاشیه برگزاری نهمین جشنواره پویانمایی رضوی خبر داد.مریم رحمانی پور در نشست خبری نهمین جشنواره پویانمایی رضوی در گلستان اظهار کرد: فیلم‌های ارسال شده به دبیرخانه جشنواره برای شرکت کنندگان به نمایش درآمد. وی با اشاره به برگزاری کارگاه آموزشی فیلم‌نامه‌نویسی پویانمایی، گفت: با برنامه ریزی های انجام شده توانستیم این کارگاه را در روز های ۱۸ و ۱۹ تیرماه در سالن نگاه تالار فخرالدین اسعد گرگانی برگزار کنیم.رئیس اداره هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان تصریح کرد:برگزاری کارگاه آموزشی فیلم‌نامه‌نویسی رشته پویانمایی سبب گسترش این هنر و توانمندسازی تولیدات آثار جشنواره محسوب می شود.وی با بیان اینکه برای تولید پویانمایی با موضوع رضوی از کمبود منابع اطلاعاتی برخوردار هستیم،افزود: تقریباً اغلب آثار تولیدی به لحاظ موضوعی در جشنواره‌های گذشته شبیه یکدیگر است که این مشکل با برگزاری کارگاه آموزشی ویژه طلاب و ورود فیلم‌نامه نویسان قوی مرتفع می شود.گفتنی است جشنواره پویانمایی رضوی همه‌ساله به مناسبت میلاد باسعادت علی بن موسی الرضا(ع)، حضرت فاطمه معصومه (س) و بزرگداشت احمد بن موسی (شاه‌چراغ) در دهه کرامت برگزار می‌شود.

تجهیزات سخت‌افزاری هلال احمر گلستان نیازمند توجه کشوری است

معاون هماهنگی امور اقتصادی و توسعه منابع استانداری گلستان گفت: تجهیزات سخت‌افزاری هلال احمر گلستان نیازمند توجه کشوری است. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی جمعیت هلال‌احمر گلستان، محمود ربیعی در بازدید سرزده از معاونت امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر استان اظهار کرد: خوشبختانه اقدامات عملیاتی جمعیت هلال‌احمر گلستان باعث افتخار و آرامش خاطر شهروندان و مسئولان استان است. وی ادامه داد: نمونه عملکرد امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر استان را می‌توان در حادثه معدن آزادشهر، حوادث جاده‌ای، امداد کوهستان و حوادث ساحلی مشاهده کرد. ربیعی گفت: تشکیل تیم واکنش سریع جمعیت هلال‌احمر استان باعث می‌شود تا قدرت عملیاتی و امدادی هلال‌احمر استان گسترش‌یافته و مردم همیشه هلال‌احمر را در کنار خود ببینند. وی اضافه کرد: تجهیز جمعیت هلال‌احمر استان گلستان از نظر سخت‌افزاری یکی از مسائلی است که باید در سطح کلان کشور به آن توجه ویژه شود تا بتوانیم شاهد بهبود عملکرد هلال‌احمر در وقوع حوادث باشیم. معاون استاندار گلستان آموزش را یکی از ارکان اصلی آمادگی امدادگران، نجات گران و داوطلبان جمعیت هلال‌احمر دانست و گفت: همه فعالان جمعیت هلال‌احمر استان باید این موضوع را مدنظر داشته باشند که با تمرین و آموزش دائم، خود را برای امدادرسانی به شهروندان و حادثه دیدگان آماده نگه‌دارند. ربیعی گفت: هرلحظه و در هر مکانی ممکن است به دلیل یک بی‌احتیاطی کوچک، حادثه‌ای رخ دهد که در این بین نقش نیروهای آموزش‌دیده جمعیت هلال‌احمر استان یک نقش محوری و کلیدی است. علیرضا صیاد، معاون امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر گلستان نیز در این دیدار بر آمادگی کامل نیروهای امدادی جمعیت هلال‌احمر استان تأکید کرد و گفت: امدادگران و نجات گران جمعیت هلال‌احمر استان به‌صورت شبانه‌روزی آماده انجام هرگونه عملیات امدادی هستند و در این راستا به‌هیچ‌عنوان از هیچ تلاشی فروگذار نخواهیم کرد. وی ادامه داد: حادثه زمستان یورت آزادشهر حادثه‌ای بسیار دردناک برای تمامی مسئولان و مردم ایران اسلامی بود اما جمعیت هلال‌احمر استان گلستان در این ماموریت مهم و خطیر با تمام توان وارد شد به‌طوری‌که در کمترین زمان ممکن پس از وقوع حادثه، نخستین تیم‌های امداد و نجات در محل حادثه حاضر شدند.صیاد معاون امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر استان گلستان تصریح کرد: به‌واقع تلاش‌های شبانه‌روزی مجموعه جمعیت هلال‌احمر استان بخصوص جوانان فعال در این جمعیت که همیشه آماده خدمت به شهروندان هستند ستودنی است.وی نیروهای آموزش‌دیده، عاشق خدمت به مردم و آماده برای نجات جان حادثه دیدگان هستند.صیاد در پایان‌بر پاسخگویی شبانه‌روزی ندای امداد جمعیت هلال‌احمر استان گلستان تأکید کرد و گفت: شهروندان در هر نقطه‌ای از استان که دچار هر نوع حادثه‌ای شوند می‌توانند با تماس با تلفن ۱۱۲ ندای امداد جمعیت هلال‌احمر استان گلستان، امدادگران و نجات گران این جمعیت را در کنار خود داشته باشند.

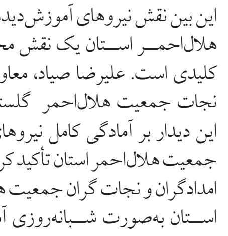

ترمیم و رنگ آمیزی سایبان ایستگاههای اتوبوس سطح شهر گرگان

مدیرعامل سازمان مدیریت حمل ونقل شهرداری گرگان از ترمیم و رنگ آمیزی سایبان ایستگاههای اتوبوس سطح شهر خبر داد. به گزارش روابط عمومی سازمان مدیریت حمل و نقل، احمد سالاری مدیرعامل این سازمان ضمن تشکر از مساعدت و همکاری معاونت عمران شهرداری در اجرایی نمودن این طرح، بیان داشت: به جهت ایجاد شرایط هرچه بهتر در خدمت رسانی به شهروندان و زیبا سازی معابر شهری، سازمان مدیریت حمل ونقل اقدام به مرمت، بازسازی و رنگ آمیزی سایه بان ایستگاههای اتوبوس درون شهری، علی الخصوص در محورهای پرتردد و مرکزی شهر نموده است. سالاری در ادامه از شستشوی سایه بان ها و تابلوی ایستگاهها به صورت هفتگی خبر داد و افزود: با توجه به اینکه در بعضی از مسیرهای شهر سایبان ها فرسوده شده اند نیاز به بهسازی و اصلاح دارند که این سازمان در این خصوص فعالیت خود را آغاز نموده است.

www.golshanemehr.ir
نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر

خبر

۲ فرد گمشده در جنگل‌های باقرآباد مینودشت پیدا شدند

معاون امداد و نجات جمعیت هلال‌احمر گلستان گفت: دو فرد گمشده در جنگل‌های باقرآباد مینودشت پیدا شدند. علیرضا صیاد در گفتگو با مهر اظهار کرد: حوالی ساعت ۱۸ و ۳۵ دقیقه روز چهارشنبه گم‌شدن دو فرد ۳۵ و ۵۰ ساله در جنگل‌های باقرآباد مینودشت به ندای جمعیت هلال‌احمر اطلاع‌رسانی شد.وی افزود: از ساعات ابتدایی دریافت گزارش، دو تیم عملیاتی تجسس در منطقه را آغاز کردند و تا دو ساعت بعد از حادثه ما از طریق ارتباط تلفنی با این دو فرد در ارتباط بودیم اما بعد از دو ساعت ارتباط ما قطع شد.صیاد ادامه داد: تلاش‌ها برای شناسایی آخرین دکل ارتباطی با این افراد ادامه داشت تا اینکه این دو فرد توسط تیم جستجوی محلی در ارتفاعات مبارک‌آباد مینودشت پیداشدند.

احداث سد شصت کلا برای تامین آب گرگان ضروری است

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب گلستان گفت: احداث سد شصت کلا برای تامین آب شهر گرگان در سال‌های آینده ضروری است. به گزارش خبرنگار مهر، محمدهادی رحمتی بعدازظهر پنجشنبه در جلسه شورای مدیریت بحران استان گلستان که با موضوع افزایش دما برگزار شد، اظهار کرد: برای تامین آب شهر گرگان در سال‌های آینده باید به سمت احداث سد شصت کلا برویم.وی افزود: با توجه به قرار داشتن در فصل کشاورزی با ۶۰۰ لیتر بر ثانیه کمبود آب رو به رو هستیم که بیش از نیمی از آن مربوط به شهر گرگان و در حیطه وظایف شرکت آب منطقه‌ای است.

مصرف آب در گرگان به آخرین حد خود رسیده است

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب گلستان خاطرنشان کرد: مصرف آب در شهر گرگان به آخرین حد خود رسیده و هر سال با ۱۵ درصد افزایش مصرف مواجه هستیم.رحمتی تصریح کرد: فشار به آب‌های زیرزمینی در استان به حدی رسیده که در سال‌های آینده برای تامین آب دچار مشکل خواهیم شد.وی ادامه داد: ۹۵ درصد آب گلستان از طریق ۲۵۰ حلقه چاه در استان تامین می‌شود.

۱۰۰ روستای گلستان با تانکر آب رسانی می‌شوند

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی گلستان گفت: در حال حاضر ۱۰۰ روستای استان گلستان با تانکر آب رسانی می‌شوند. به گزارش خبرنگار مهر، مهدی شکیبافر بعدازظهر پنجشنبه در جلسه شورای مدیریت بحران استان گلستان که با موضوع افزایش دما برگزار شد، با بیان اینکه ۸۰۰ روستا از مجموع هزار روستای استان تحت پوشش آب و فاضلاب روستایی هستند، گفت: سال گذشته ۱۲۰ روستای گلستان با تانکر آب رسانی می‌شدند که این عدد اکنون به ۱۰۰ روستا رسیده است.وی افزود: ۷۰۰ حلقه چاه آب شرب باید با ۴۰ هزار چاهی که در استان وجود دارد رقابت کنند و این موضوع مشکلات زیادی ایجاد کرده است.وی ادامه داد: در سال گذشته اقدامات بسیار خوبی در حوزه آب رسانی به روستاهای استان گلستان داشتیم و ۲۵ حلقه چاه معادل ۱۰ درصد را بازسازی کردیم.

کاهش ۳۵ درصدی در سال آبی گلستان

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی گلستان خاطرنشان کرد: در سال آبی جاری نسبت به سال گذشته شاهد کاهش ۳۵ درصدی آب روستاهای استان بودیم.شکیبافر تصریح کرد: سال گذشته شاخص بهره وری در صندوق اعتبارات ملی هفت درصد افزایش پیدا کرد که اعتبارات خوبی به آب و فاضلاب روستایی گلستان اختصاص یافت. وی یادآور شد: متاسفانه اعتبارات تخصیص یافته استانی به آب و فاضلاب روستایی گلستان حدود صفر بوده است که امیدواریم امسال جبران شود.

بخش اول

تنها خدایی می‌تواند ما را نجات دهد!

گفت‌وگوی «اشپیگل» با هایدگر

ترجمه‌ی سیّدمجیدِ کمالی

پروفسور هایدگر! بارها و بارها به این آگاهی رسیده‌ایم که کار فلسفی شما به‌واسطه‌ی روی‌دادهایی در زندگی‌تان تحت‌الشّعاع قرارگرفته‌است؛ حوادثی که اگرچه مدّت زیادی از وقوع‌شان نمی‌گذرد، هرگز به وضوح درنیامدند؛ خواه ازآن‌رو که شما بسیار مغرور اید و خواه به‌دلیلِ آن‌که توضیحِ آن‌ها را مصلحت نمی‌دانید.

مراد شما [حوادث] سال ۱۹۳۳ است؟

بله، قبل و بعد از آن. خواستِ ما این است که موضوع را در بسترِ وسیع‌تری قراردهیم و سپس با عزیمت از آن، به پرسش‌هایی چند بپردازیم که به‌نظر ما مهمّ هستند؛ پرسش‌هایی هم‌چون: چه امکان‌هایی وجوددارد که فلسفه به‌واسطه‌ی آن‌ها در واقعیّت و نیز در واقعیّتِ سیاسی تأثیرگذار باشد؟ آیا اصولن چنین امکانی هنوز وجوددارد؟ اگر پاسخ مثبت است، به‌چه‌نحوی؟ این سؤالات بس مهمّ اند [تا آن‌جا که تردید دارم] که آیا می‌توانم به تمامی آن‌ها پاسخ دهم. امّا نخست بایدبگویم که پیش از ریاست‌ام [در دانش‌گاه] به‌هیچ‌رو کار سیاسی نکرده‌بودم. در زمستانِ ۳۳-۱۹۳۲ در مرخّصی بودم و غالبن در کلبه‌ی خودم به‌سرمی‌بردم.

چه‌گونه شد که رئیسِ دانش‌گاهِ فرایبورگ شدید؟

در دسامبرِ ۱۹۳۲ هم‌سایه‌ی من، فن‌مولندورف -استاد کرسی آناتومی- به ریاستِ دانش‌گاه انتخاب شد. در این دانش‌گاه ۱۵ آوریل روز به‌عهده‌گیری سمَت ریاست ازسوی رئیس جدید است. ما در نیم‌سالِ تحصیلی ۳۳-۱۹۳۲ به‌دفعات نه‌تنها درباره‌ی وضعیّت سیاسی، بلکه به‌خصوص درباره‌ی دانش‌گاه‌ها و وضع تاحدّی نومیدکننده‌ی دانش‌جویان با هم سخن گفته‌بودیم. رأی من این بود: «تا آن‌جا که من می‌توانم درباره‌ی مسائل دست به قضاوت بزنم، دیگر تنها این امکان باقی ست که به‌مددِ نیروهای آماده‌گرانه‌ای که هنوز پویا و سرزنده‌اند، بکوشیم متوجّهِ تحوّلات و بسط‌های پیش‌رو باشیم و آن را تعدیل کنیم».

بنابراین، شما نسبتی میان وضع دانش‌گاه‌های آلمان و وضعیّتِ سیاسی در آلمان به‌طور کلّی تشخیص می‌دادید؟

البتّه من جریاناتِ سیاسی حدّ فاصل ژانویه و مارس ۱۹۳۳ را پی‌گیری و هم‌چنین گاهی درباره‌ی آن‌ها با هم‌کاران جوان‌ترم صحبت می‌کردم، امّا [در آن موقع] من درحال انجام تفسیری گسترده از تفکّر پیش‌سقراطی بودم. در آغاز نیم‌سال تابستانی به فرایبورگ بازگشتم. در این میان، در ۱۵ آوریل پروفسور فن‌مولندورف سمَت ریاست دانش‌گاه را عهده‌دار شد، امّا این مسؤولیّت ۲ هفته بیش‌تر طول نکشید و توسّط واکر، وزیر فرهنگ وقت، در بادن این سمَت از او بازپس گرفته‌شد. علّت محتملِ این تصمیم وزیر، این امر بود که او نصب «یودن پلاکات» را در دانش‌گاه ممنوع کرده‌بود.

آقای فن‌مولندورف سوسیال‌دموکرات بود. او پس از عزلِ خود دست به چه کاری زد؟

فن‌مولندورف در همان روز برکناری‌اش پیش من آمد و بیان کرد: «هایدگر! اکنون شما باید ریاست را عهده‌دار شوید!» من به او متذکّر شدم که فاقد هرگونه تجربه در کار اداری هستم. هم‌چنین زاوئر، معاون وقت دانش‌گاه که الاهی‌دان بود، اصرار داشت که در انتخابات مجدّد ریاستِ دانش‌گاه کاندیدا شوم؛ چراکه درغیراین‌صورت این خطر وجودداشت که یک مأمور حزبی به‌عنوان رئیس انتخاب شود. هم‌کاران جوان‌تری که با آن‌ها از سالیان پیش درباره‌ی مسائل مربوط به شکل گیری دانش‌گاه سخن گفته‌بودم، مرا در تنگنا قرارداده‌بودند تا ریاست را بپذیرم. اخذِ تصمیم را مدّتی به تعویق انداختم. سرانجام آمادگی خود را برای پذیرشِ مقام ریاست، درصورتی که نسبت‌به تأیید متّفق‌القول شورا بتوانم یقین پیدا کنم و تنها به‌خاطر منافع دانش‌گاه، اعلام کردم. بااین‌حال، تردیدم نسبت‌به مناسب‌بودنِ خودَ برای ریاستِ دانش‌گاه پابرجا بود؛ به‌طوری که صبح روزی که برای انتخاب معیّن شده‌بود، به محلِ ریاست دانش‌گاه رفتم و به دو هم‌کار حاضر که پیش از این معزول شده‌بودند (فن‌مولندورف و معاون او، زاوئر) گفتم که نمی‌توانم این مقام را بر عهده بگیرم. هر دو هم‌کار به من پاسخ دادند که انتخابات چنان تمهید شده‌است که اکنون دیگر نمی‌توانم از کاندیداتوری شانه خالی کنم.

چنین شد که شما آمادگی خود را به‌طور قطعی اعلام کردید. پس از آن، رابطه‌ی شما با ناسیونال‌سوسیالیست‌ها به‌چه‌نحو درآمد؟

دو روز پس از قبولِ ریاستِ دانش‌گاه، رهبرِ دانش‌جویان با دو هم‌راه در محلّ ریاست حضور یافت و بار دیگر خواستارِ چسباندنِ «یودن پلاکات» شد. من نپذیرفتم. این سه دانش‌جو با ذکر این امر که این ممنوعیّت به رهبری دانش‌جویی رایش اطّلاع داده‌خواهدشد، آن‌جا را ترک‌کردند. چند روز بعد، از اداره‌ی آموزش عالی SA در بالاترین مقام رهبری SA، دکتر باومن، رهبر گروه‌های SA، به من تلفن کرد. درخواست او چسباندنِ پلاکات مذکور بود؛ عملی که در دانش‌گاه‌های دیگر در همان زمان انجام می‌شد. اگر من امتناع می‌کردم، این امر محتمل بود که عزل شوم یا حتّا دانش‌گاه بسته‌شود. [باوجودِ این،] من نپذیرفتم و تلاش‌کردم حمایتِ وزیر فرهنگ بادن را برای این ممنوعیّت به‌دست‌آورم. او توضیح داد که دربرابر SA هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد، امّا بااین‌حال من ممنوعیّت خودرا ملغانکردم.

این امر تاکنون این‌چنین مشهور نبود.

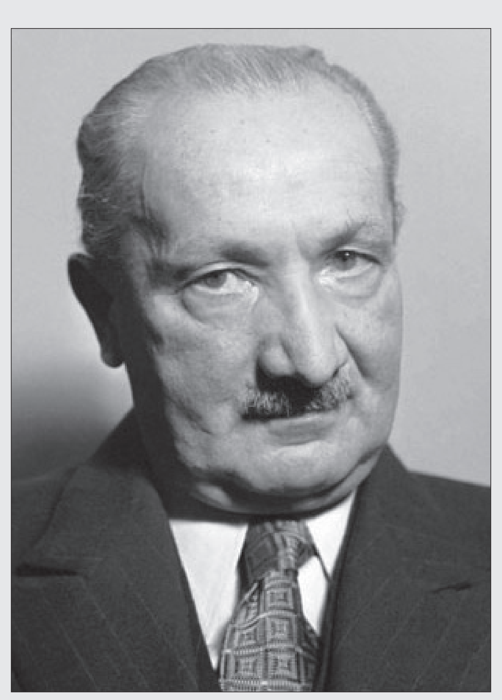

آن انگیزه‌ی بنیادینی را که اصولن مرا مجبور به برعهده‌گرفتنِ ریاستِ دانش‌گاه کرد، پیش از این، در سخن‌رانیِ افتتاحی خود در فرایبورگ به سال ۱۹۲۹ تحتِ عنوان «متافیزیک چی ست؟»، ذکر کرده‌ام. «حوزه‌های علوم از یک‌دیگر بسیار متمایز اند. طرقی که آن‌ها به موضوعاتِ خود می‌پردازند، از بنیاد متفاوت هستند. این تکثّرِ آشفته‌ی رشته‌های علمی، امروزه تنها به‌واسطه‌ی سازمانِ تکنیکیِ دانش‌گاه‌ها و دانش‌کده‌ها در کنار یک‌دیگر نگه‌داشته‌شده و ازطریقِ مقاصدِ عملی این رشته‌ها حائزِ معنا می‌شود. برخلاف، ریشه‌ی علوم در بنیادِ ماهویِ آن‌ها مرده‌است». آن‌چه من باتوجّه به وضعیّت دانش‌گاه‌ها که اکنون به بیش‌ترین حدّ زوال خود رسیده‌است، طیِّ مسؤولیّت خود بدان اهتمام ورزیدم، در خطابه‌ی ریاست‌ام بیان شده‌است.ما درپیِ آن هستیم تا دریابیم به‌چه‌نحو این گفته‌ی شما در سال ۱۹۲۹ با آن‌چه شما در ۱۹۳۳ در خطابه‌ی ریاست دانش‌گاه بیان داشتید، موافقت دارد. در این‌جا جمله‌ای را از متنِ آن منتزع می‌کنیم: «آزادیِ آکادمیک پرهیاهو از دانش‌گاه‌های آلمان طرد خواهدشد؛ چراکه این آزادی غیرحقیقی و صرفن نفی‌کننده بود». ما باورداریم -اگر اجازه‌ی حدس‌زدن داشته‌باشیم،- که این جمله دست‌کم بخشی از نظراتی را بیان می‌دارد که شما هنوز هم بدان‌ها پای‌بند اید.البتّه، من هنوز به آن پای‌بند ام؛ چراکه این «آزادیِ آکادمیک»، در بنیاد نفی‌کننده‌ی صرف است؛ آزادی از مساعی درجهتِ اهتمام‌ورزیدن به آن‌چه تحصیلِ علمی از تفکّر و تأمّل مطالبه می‌کند، بود. ضمننِ جمله‌ای که شما برگرفتید، نباید به‌صورت مجزّا، بلکه در متن آن باید موردِتوجّه قرارگیرد؛ درآن‌صورت روشن خواهدشد که مرادِ من از فهمِ «آزادیِ منفی» چه بوده‌است.

بله، این حرف قابل‌فهم است. بااین‌حال، بر این باور ایم که در خطابه‌ی ریاستِ شما لحنِ جدیدی وجوددارد؛ آن‌جا که شما ۴ ماه پس از انتصاب هیتلر به‌عنوانِ صدراعظم رایش، از «بزرگی و شکوهِ این ظهور و قیام» سخن می‌رانید.بله، من نسبت‌به این امر متقاعد بودم.

ممکن است کمی بیش‌تر توضیح دهید؟

البتّه، با کمال میل. من در آن زمان گزینه‌ی دیگری نمی‌یافتم. در آن آشفتگیِ عمومیِ باورها و گرایش‌های سیاسیِ ۳۲ حزبِ موجود، ضروری بود که به دیدگاه‌های ملّی و به‌ویژه اجتماعی هم‌راه با تلاش فریدریش ناومن دست‌می‌یافتیم. این‌جا صرفن به‌عنوان یک مثال می‌توانم به مقاله‌ای از ادوارد اشپرانگر ارجاع دهم که در آن بسیار فراتر از نطقِ ریاستِ‌دانش‌گاهیِ من می‌رود.

چه زمانی فعّالیّت در امور سیاسی را آغاز کردید؟

آن ۳۲ حزب از مدّت‌ها پیش در آن‌جا حضور داشتند. هم‌چنین میلیون‌ها نفر در ۱۹۳۰ بی‌کار بودند.در آن زمان من هنوز به‌طور تمام‌عیار به پرسش‌هایی می‌پرداختم که در «وجود و زمان» (۱۹۲۷) و در نوشته‌ها و سخن‌رانی‌های سال‌های بعدِ من بسط یافته‌اند. این‌ها پرسش‌های بنیادینی درباره‌ی تفکّر هستند که درعین‌حال به‌طور غیرمستقیم به مسائلِ ملّی و اجتماعی اهتمام دارند. به‌عنوانِ یک استادِ دانش‌گاه، مسأله معنای علوم و بدین‌وسیله تعیین وظیفه‌ی دانش‌گاه مدّنظر من بود. این توجّه در عنوانِ خطابه‌ی ریاست‌ام بروز دارد: «خوداثباتی و خوداظهارگری دانش‌گاه آلمان». چنین عنوانی در آن زمان در هیچ‌یک از خطابه‌های ریاستِ‌دانش‌گاهی جرأت ابراز نیافته‌بود. امّا کدام‌یک از کسانی که درباره‌ی این سخن‌رانی بحث و جدل می‌کنند، آن را از بنیاد خوانده، در آن نیک اندیشیده و براساس وضع آن دوره به فهم درآورده‌است؟!

آیا «خوداثباتی دانش‌گاه آلمان» در آن جهانِ آشفته، کمی نامتناسب به‌نظر نمی‌رسد؟

چه‌گونه؟ «خوداثباتی دانش‌گاه» علیه آن حرکتِ موسوم به «علم سیاسی» ست که در آن دوران توسّطِ حزب و جامعه‌ی دانش‌جویی ناسیونالیست مطالبه می‌شد. این عنوان در آن موقع معنای کاملن متفاوتی داشت. «علم سیاسی» به‌معنای سیاست‌شناسی امروزی نبود، بلکه متضمّن این بود: معنا و ارزش علم به‌ماهو علم، برحسبِ کارکردِ عملی‌اش برای ملّت ارزیابی می‌شود. درباره‌ی تقابل با این سیاسی‌کردنِ علم، در خطابه‌ی ریاست دانش‌گاه به‌طورِ ویژه سخن گفته‌شده‌است.

آیا منظور شما را درست فهمیده‌ام؟ شما درپی آن بودید که با داخل‌کردنِ دانش‌گاه در آن‌چه «ظهوری نوین» می‌دانستید، دانش‌گاه دربرابر شاید جریاناتِ قدرت‌مندی که نمی‌گذاشتند دانش‌گاه دیگر وحدت و هویّتِ خود را داشته‌باشد، به ادّعا و تأیید خود بپردازد؟

یقینن، امّا خوداثباتی دانش‌گاه درعین‌حال می‌بایست به خود این تکلیفِ ایجابی را می‌داد که در مواجهه با سازمانِ صرفن تکنیکیِ دانش‌گاه، به‌واسطه‌ی تأمّل در فرادهشِ تفکّرِ غربی-اروپایی، معنای نوینی را بازگیرد.

جناب پروفسور! آیا این برداشتِ ما صحیح است که شما در آن هنگام بر این باور بودید که به‌بودِ دانش‌گاه با هم‌راهیِ ناسیونال‌سوسیالیست‌ها قابل حصول است؟

این تقریری نادرست است. دانش‌گاه نه با هم‌راهیِ ناسیونال‌سوسیالیست‌ها، بلکه بایسته بود که براساسِ تأمّلِ خاصّ خودش، تجدید و احیا شود و ازاین‌طریق موقعیّتِ مستحکمی دربرابرِ خطرِ سیاسی‌کردنِ علم -به‌همان‌معنایی که پیش از این گفته‌شد،- به‌دست‌آوَرَد.

و ازهمین‌رو ست که شما در خطابه‌ی ریاستِ‌دانش‌گاهی‌تان این سه رکن را بیان داشته‌اید: «خدمتِ کار»، «خدمتِ دفاع»، «خدمتِ علم»؟ آیا منظور شما از این بیان این بود که «خدمتِ علم» به موقعیّتِ هم‌تراز با دو خدمتِ دیگر دست‌یابد؛ موقعیّتی که ناسیونال سوسیالیست‌ها به آن نداده‌بودند؟

سخن برسرِ این ارکان نیست. اگر شما با دقّت‌نظر بخوانید، متوجّه خواهیدشد که اگرچه خدمتِ علم در رتبه‌ی سوم آمده‌است، برحسبِ معنا مقام نخستین را دارد. باید توجّه داشت که کار و دفاع همانندِ تمامیِ فعّالیّت‌های انسانی در دانش بنیاد داشته و به‌واسطه‌ی آن ایضاح می‌یابند.امّا ما باید -هم‌اکنون این نقل‌قولِ رقّت‌بار را به پایان می‌بَریم- جمله‌ی دیگری را از شما ذکر کنیم؛ عبارتی که نمی‌توان تصوّر کرد که شما هنوز هم آن را تأیید می‌کنید. شما در پاییز ۱۹۳۳ بیان داشتید: «احکامِ علمی و ایده‌ها قواعد وجودِ شما نیستند؛ پیش‌وا، خود و به‌تنهایی، واقعیّتِ آلمانیِ امروز و آینده و قانونی آن است». این جملات مندرج در خطابه‌ی ریاستِ‌دانش‌گاهی نیست، بلکه تنها در روزنامه‌ی دانش‌جوییِ محلّیِ فرایبورگ در آغازِ ترم زمستانی ۳۴-۱۹۳۳ به طبع رسیده‌است. هنگامی که من ریاستِ دانش‌گاه را بر عهده گرفتم، بر من آشکار بود که بدونِ مصالحه نمی‌توانم در کارِ خود موفّق باشم. امروزه دیگر جملاتی که شما نقل کردید را نمی‌نویسم. حتّا در سال ۱۹۳۴ نیز جملاتی ازاین‌دست را بیان نداشتم، امّا امروزه و امروز با عزمی بیش‌تر از همیشه مایل ام که این بیانِ «خوداثباتی دانش‌گاهِ آلمانی» -البتّه بدونِ رجوع به ناسیونال‌سوسیالیسم- را تکرار کنم. جامعه جای‌گاهِ ملّت را اشغال کرده‌است؛ به‌این‌ترتیب توگویی این بیان امروزه‌روز همانند گذشته در گوش باد گفته‌شده‌است.اجازه می‌دهید یک بار دیگر سؤالی فرعی طرح کنیم؟ تاکنون در این گفت‌وگو روشن شد که در ۱۹۳۳ رفتارِ شما میانِ دو قطب در نوسان بود: نخست آن‌که شما می‌بایست برخی مطالب را به شاگردان‌تان [ad usum delphini] بیان می‌داشتید. این یک قطب بود. امّا قطبِ دیگر جنبه‌ی مثبت‌تری داشت. شما آن را این‌گونه بیان می‌کردید: احساس می‌کنم در این‌جا امرِ تازه‌ای در کار است. در این‌جا ظهور و حرکتی نو در کار است.کاملن درست است. میانِ این دو قطب، این امر کاملن قابل‌باور است اگر ازمنظر وضعیّتِ آن دوره موضوع لحاظ شود.یقینن. بااین‌حال باید تأکید کنم که عبارتِ «ad usum delphini» چندان گویا نیست. در آن زمان معتقد بودم که با مواجهه‌ی پرسش‌گرانه با ناسیونال‌سوسیالیسم، راهی نو و درواقع تنها راهِ ممکن به‌سوی تجدید [- حیات] گشوده‌می‌شود. شما می‌دانید که در این ارتباط اتّهاماتی علیه شما طرح شده‌است که راجع‌به هم‌کاری‌تان با حزب کارگرانِ آلمانی ناسیونال‌سوسیالیست و انجمن‌های آن است. این اتّهامات برای افکارِ عمومی هم‌واره تکذیب‌نشده باقی مانده‌اند. به‌عنوانِ مثال، شما متّهم شده‌اید که در کتاب‌سوزانی‌ای که توسّطِ دانش‌جویان یا جوانانِ هیتلری ترتیب داده‌شده‌بود، هم‌راهی داشته‌اید.

من کتاب‌سوزانی‌ای را که برنامه‌ریزی شده‌بود تا دربرابر ساختمانِ دانش‌گاه انجام شود، ممنوع اعلام کردم.هم‌چنین شما متّهم به این هستید که کتاب‌هایی که یهودیان آن‌ها را نگاشته‌بودند، از کتاب‌خانه‌ی دانش‌گاه یا از کتاب‌خانه‌ی سمینارِ فلسفه منتقل کردید.

درمقام مدیر سمینار تنها کتاب‌خانه‌ی آن را در اختیار داشتم. من به درخواست‌های مکرّر درموردِ خروج کتاب‌هایی که مؤلّفانی یهودی داشتند، توجّه نکردم. شرکت‌کنندگانِ پیشینِ سمینارهای من امروزه می‌توانند شهادت دهند که نه‌تنها هیچ کتابی ازاین‌دست از کتاب‌خانه خارج نشد، بلکه از این مؤلّفان، به‌ویژه هوسرل، درست همانندِ سال‌های پیش از ۱۹۳۳ نقلِ‌کلام می‌شد و موردبحث قرارمی‌گرفت.

ما این نکته را یادداشت خواهیم‌کرد. امّا شما چه‌گونه منشأ و منبع چنین شایعاتی را توضیح می‌دهید؟ آیا ازسر بدخواهی ست؟

براساس شناخت من از این منابع، مایل ام که به این بدخواهی باورداشته‌باشم، امّا انگیزه‌های این تهمت منشئی ژرف‌تر دارد. احتمالن به‌عهده‌گرفتنِ ریاستِ دانش‌گاه تنها یکی از عوامل است و علّت قطعی آن نیست. بنابراین می‌توان حدس‌زد این بحث و جدل هرگاه که اقتضایی فراهم باشد، دوباره درخواهدگرفت.شما بعد از ۱۹۳۳ نیز دانش‌جویانِ یهودی داشتید. رابطه‌ی شما با برخی از آن‌ها -و نه با همه‌ی این دانش‌جویانِ یهودی- به‌نظر حتّا پس از ۱۹۳۳ گرم و صمیمی بوده‌است.

رفتارِ من پس از آن سال ثابت باقی ماند. یکی از قدیمی‌ترین و باهوش‌ترینِ دانش‌جویانِ من، هلند وایس (کسی که بعدها به اسکاتلند مهاجرت کرد) دکترای خود را از دانش‌گاهِ بازل (پس از آن‌که نتوانست از دانش‌گاه فرایبورگ مدرکِ دکترا اخذ کند) با رساله‌ی بسیار مهمّی درباره‌ی «علّیّت و تصادف در فلسفه‌ی ارسطو»، که در سال ۱۹۴۲ در بازل منتشر شد، دریافت کرد. وی در پایانِ مقدّمه‌ی رساله‌اش می‌نویسد: «این تلاش در تفسیرِ پدیدارشناسانه، که در این بخشِ نخستِ آن را عرضه می‌داریم، به‌مددِ تفاسیرِ منتشرنشده‌ی هایدگر از فلسفه‌ی یونان ممکن شده‌است». شما در این‌جا نسخه‌ای را می‌بینید که نویسنده با دست‌خطّ خود آن را اهدا و برای من در ۱۹۴۸ فرستاده‌است. من پیش از مرگِ خانمِ دکتر وایش بارها در بازل به دیدارش رفتم.

ادامه دارد

چیستی آزادی در اندیشه هایدگر

ایمان مطلق ارانی - یکی از دل انگیز ترین و اهداف آدمی برای زندگی آزادی است و شاید هیچ کلمه ای انقدر محتاج تفکر و تعمل نباشد برای هیچ مفهومی شاید انقدر جهاد و مبارزه نشده باشد، و البته هیچ لفظی برای انسان انقدر تاثیر در وجوه انسان اعم از حیات فردی و اجتماعی نداشته است. آشکار است که واژه ی «آزادی» در گستره های گوناگونی به کار می رود. برای مشخص کردن این گستره ها خوب است تمایز اساسی میان «آزادی عمل»و «آزادی اراده» را در نظر داشته باشیم. آزادی عمل درباره ی رابطه ی فرد کنشگر با محیط اش است اما آزادی اراده مربوط به این است که آیا کنشگر می تواند آزادانه چیزی را بخواهد (اراده کند) یا نه. بنابراین شخص می تواند آزادی عمل داشته باشد اما آزادی اراده نداشته باشد، مثلاً معتادی که می خواهد ترک کند اما نمی تواند، آزادی عمل دارد اما آزادی اراده ندارد یا کسی که به سبب تلقین هیپنوتیک عملی را انجام می دهد، آزادیعمل دارد اما آزادی اراده ندارد. برعکس، فرد می تواند (آزاد است) اراده کند که دست هایش را از هم بگشاید، اما اگر دست هایش بسته باشند، آزادی انجام این عمل را ندارد. برخی احتجاج کرده اند که آزادی عمل و آزادی اراده رابطه ی تنگاتنگی دارند. مثلاً فیلیپ پُتی یادآور می شود که در هر دو حالت، مفهوم آزادی با مفهوم مسئولیت توأم است. مثلاً نمی توان کسی را که آزادی اراده یا آزادی عمل ندارد به خاطر انجام دادن یا انجام ندادن کاری نکوهش کرد. به نظر برلین، یک تعبیر از آزادی ، آزادی منفی، یعنی آزادی از قیود و محدودیت هاست. با این تعبیر، شما تا آنجا آزاد هستید که دیگران مانع نیل شما به خواسته هایتان نشوند. پس می توان گفت هرچه درهای بیشتری به رویتان گشوده باشد، آزادتر هستید. تعریف برلین از «آزادی مثبت» اما قدری مبهم است. به طور کلی مقصود او از آزادی مثبت، میزان آزادی شخص در کنترل و تصمیم گیری برای زندگی خویش است. مثلاً اگرشما قانوناً اجازه ی سفر را داشته باشید، اما توان مالی پرداخت هزینه ی سفررا نداشته باشید، آزادی منفی از قیود سفر را دارید اما آزادی مثبت برای سفر را ندارید. اما آزادی مثبت (توانایی اعمال کنترل بر زندگی خود) ندارد. به نظر آیزایا برلین، بزرگ ترین اشکال آزادی مثبت را این است که این رویکرد اصولاً به یک فرد امکان می دهد تا به نام آزادی، دیدگاه ها و ترجیحات خود را به دیگران تحمیل کند و به قول روسو مردم را «مجبور به آزادی» کند. برلین می نویسد: «همین که این دیدگاه را بپذیریم، خود را در جایگاهی می یابم که آمال افراد و جوامع دیگر را نفی کنم؛ به آنان ستم روا دارم؛ سرکوبشان کنم و به بهانه ی تحقق خود «حقیقی» شان، آنان را شکنجه کنم... به این طریق استدلال خردگرا... از یک آموزه ی اخلاقی درباره ی مسئولیت و کمال فردی به حکومتی آمرانه بدل می شود که مطیع اوامر زعمای و نخبگان سپاه افلاطونی است.» اما پرسش از آزادی در نزد هایدگر، در پرسش درباره ی حقیقت و به ویژه در حقیقت هستی مطرح میشود. هایدگر برای فهم معنای حقیقت به سراغ زبان یونانی و برابر ایستای آن یعنی Aletheia میرود که به معنای درست و راست بودن است، تبار این واژه به لغت Lethein میرسد که به معنای نادیده ماندن و پنهان ماندن است که A-letheia به معنای اصلی یعنی پنهان نمانده و از یاد نرفته یا به قول بعضی مترجمین "ناپوشیده". در فلسفه ی سنتی ما حقیقت (Truth) را مطابقت logos (بیان یا عقل) با pragma (امر واقع) میدانیم. در تفکر افلاطونی /ارسطویی میگوئیم " veritas est adaequati o rei et intellectus" یعنی حقیقت مطابقت است با معرفت ما با امر واقع". مثلاً میگوئیم "بیرون باران میبارد" حقیقت این گزاره در آن لحظه ای مشخص میشود که ما در کنار پنجره بایستیم و کیفیت آب و هوا را نظاره کنیم. (propositional truth) هایدگر میگوید: "آنچه به واسطه ی گزاره گفته شده، بیانی است از شیء معرفی شده، صرفاً آن طوری که آن شیء در مقام امری تعریف شده است. " وی بر این باور است که ما در برابر اشیاء گشوده ایم. ما در نسبت با آنها خود را متناسب می سازیم. تنها از ناحیه ی آنچه که هایدگر openness of comportment (رویه –سیر و سلوک– گشودگی) مینامد میتوانیم به درستی درباره ی اشیاء سخن بگوئیم. پس حقیقت تنها برای انسان معنا دارد. چراکه چیزها تنها و تنها میتوانند در برابر انسان گشوده میشوند. حقیقت از نظر هایدگر، بنا به روحیه ها و فهم ها آشکار میشود. حقیقت نوع بودگی هستندگان در جهان است و نه اندیشه ها و حکم ها. هستندگان پیش روی ما حاضر میشوند و ما میکوشیم تا آنها را آشکار کنیم. هایدگر مینویسد" عبارتها مکان یا جایگاه حقیقت نیستند، حقیقت جایگاه عبارت است. حقیقت در هیچ حکم و گزاره ای جای نگرفته، بل باید آنرا در دانایی شهودی مان جستجو کنیم. فهم هستنده ای در غنای حضورش با فهم رابطه ای میان گزاره ای و واقعیتی تفاوت دارد." "حقیقت در اصل متعلق به عبارت نیست، و با آنهم ثابت، و حتی دانسته نمیشود. حقیقت آن امری است که در ما این توانایی را ایجاد میکند که عبارت یا حکمی را بسازیم. پیش از اینکه عبارتی بیان یا فهمیده شود، باید جهان گرداگرد ما و هستندگان آن بر ما گشوده و آشکار شده باشند." هر مفهومی دارای تعریفی است که به مقتضای آن ما آن مفهوم را درک میکنیم؛ حقیقت هر چیز در صورتی که بتوان از آن کشف حجاب کرد از مستوری بیرون میاید، در واقع حقیقت همان کشف حجاب (گشودگی) است؛ اما آنچه تعریفی صحیح یا درست دارد – که در واقع خودش درست است– هنوز حقیقی نیست. اما آزادی چیست؟ یا بهتر بگوئیم وقتی هایدگر از آزادی یاد میکرد چه چیزی را مراد میکرد؟ هایدگر میگفت که آزادی تحقق سرشت حقیقت است. هایدگر نحوه ی تحقق بخشیدن به حقیقت را در آزادی میداند و آزادی را به معنای رها بودن، یا به حال خود گذاشتن و یا گشوده شدن میداند. اگر حقیقت ناپوشیدگی باشد چنانچه توضیح آن داده شد، بنیادش در ناحقیقت یا پوشیدگی است و آزادی رها کردن ناحقیقت است تا خود را در حقیقت گشوده کند. هایدگر در رساله ی درباب ذات حقیقت میگوید آزادی (بگذارباش– بودن) است. یعنی آزادی بشر به این معناست که بشر بگذارد یا اجازه دهد که موجودات آنگونه که هستند باشند. آزادی تحقق سرشت حقیقت است. آزادی این اجازه دادن هست. آزادی صفت انسان نیست ""ماهیت آزادی از نظر اصل و منشا به اراده یا حتی جبر علی اراده ی آدمی ربطی ندارد. آزادی بر امر آزاد به معنای امری که بر آن پرتو افکنده شده، یعنی امری که از آن کشف حجاب شده است، نظارت دارد. آزادی نزدیکترین و دورترین خویشاوندی را با وقوع انکشاف، یعنی با رخداد حقیقت، دارد. هر انکشافی متعلق به پناهگاه و استتاری است. اما آنچه آزاد میکند –راز– پنهان است و همیشه خود را استتار میکند. انکشاف از درون امر آزاد میاید، به درون امر آزاد میرود و آزاد میکند . . . .. آزادی، قلمرو تقدیری است که در هر لحظه ی معین انکشافی را از راهی راه خود میکند." دازاین با گشودگیش و با برون ایستایی (ex-sistent) و درون ایستایی (in-sistent) است که این آزادی را پدید میاورد چنانچه هایدگر در نشانه های راه مینویسد: "آزادی تعهد در آشکارگی هستی است، چنانکه هست، و آشکارگی هم در قید اگزیستانسیال دانسته میشود." (۱۴۵) هایدگر در هستی و زمان میگوید که آزادی شرط هستی شناسانه ی امکانهاست و نه مشخصه ی اخلاقی دازاین. وی در اینجا این مسئله را مطرح میکند که اگر چه انسان موجودی تاریخمند و متناهی است که در بسیاری جهات مجبور است اما دازاین در طرح اندازی های خود آزاد است و در واقع شرط طرح اندازی اش وجود آزادی است.

بخش پایانی

یادداشت

هستی یا نیستی

سید مراد بابا حیدری

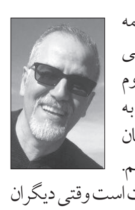

و وقتی دیگری یا همان «همه آن دیگران» به خود ما نگاه می کنند، هنگامی که به ما زوم کرده اند، آگاه می شویم ما به چشم آنها، آبژه یا همان بسان دیگر اشیاء و چیزها هستیم. فقط در این حالت و صورت است وقتی دیگران ما را نظاره می کنند، ما به خود آگاه می شویم و آنهم آگاهی که به ما می گوید در چشم این نظاره گران که گفتم دیگری یا همان دیگران باشند، آبژه هستیم و نه سوبژه. ما می توانیم خود را مرتبت با دیگران بکنیم و به شیوه ها و بهانه های فراوان و گوناگون. یک نوع پیوند و در نتیجه دانستن هایی با توجه به «ترس»، «شرم»، «غرور»، «عشق»، «مازوخیسم»، در تشابه، «سادیسم» و یا «تنفر». تک تک این ها و نتیجتا خود را مرتبت با دیگری و دیگران دانستن، همگی مشکل زا هستند. برای نمونه، عشق. سارتر می گوید عشق در یک معنی و به گونه ای یک پروژه ناامید کننده است.

در عشق می خواهیم همه چیز برای طرف مقابل خود بشویم و برای همیشه برای او باشیم. کاری که ما در چنین پروژه به نظر خود عاشقانه ای و همیشگی می کنیم در واقع القاء، و یا می شود گفت: تقدیم عاشقانه کل وجود خود به معشوق خود است. به بیان دیگر، ما می خواهیم یک مرز مشخص و سرنوشت ساز و یا یک سنجه بی کم و کاست و همیشگی برای بقیه انتخاب های طرف مقابل خود بشویم. منظور در اینجا عاشق و یا برعکس معشوق است که در چنین پروژه ای از عشق و عاشقی، هر کدام و برای طرف مقابل خود؛ به‌میزان‌سنجبقیه‌همه‌انتخاب‌هابرای و درزندگی تبدیل می شوند. و اما همزمان که قلبا و عاشقانه باور داریم که فقط برای طرف مقابل خود ساخته شده ایم و در نتیجه بهتر از خود او می دانیم او بهتر از ما پیدا نمی کند، می خواهیم او آزادانه ما را انتخاب بکند. و این یعنی اینکه ما خود را موضوع مهم آزادی این دیگری می کنیم. و این همان معنی دقیق و کاربرد ترانسندنس است. به بیان دیگر، او فرای هر چیز و هر انسان دیگر که وجود دارد، می تواند و آزاد است ما را انتخاب بکند. دقیقا همچنان که نمی شود به زور از دیگری بخواهیم که عاشق ما بشود، و در این صورت آزادی او را حاشا کرده ایم و به رسمیت نشناخته ایم، همین گونه هم نمی شود ولو با دل و جان عاشق دیگری باشیم اما همزمان به او اجازه ندهیم او ما را بسان یک شی در میان این همه شی های تشکیل دهنده جهان پیرامون او، ما را انتخاب بکند. اگر قرار است عشق معنی داشته باشد و سازنده باشد، معشوق باید به دلدار و دلداده خود، حق بدهد او خود در این مورد آزادانه انتخاب بکند.

نتیجه‌گیری

اثر بی شک جاودان سارتر که در این نوشته کوتاه هدف اصلی معرفی و بررسی فشرده ای از پاره ای زوایای آن «هستی و نیستی»یا «بودن و نبودن» بود، کاربردهای عملی فراوانی دارد. مطالعه چنین اثری و سوای اینکه به خواننده آن یک فلسفه و رویکرد جدید در بین بقیه فلسفه ها و رویکردهای موجود به «بودن–در–خود»، «بودن–برای–خود» و «بودن–برای–دیگری» می دهد، او را با اندیشه عمیق یکی از مهمترین بنیانگذاران، برجسته ترین چهره ها و مدافعان مکتب اگزیستانسیالیسم، آشنا می کند. مکتب فلسفی که به اصالت بشر، و آنگونه که او است، اعتراف و باور دارد. فلسفه و رویکردی که می خواهد انسان به جای نگاه به آسمانها و مدد خواستن از خدایان، خود دو پروژه درهم تنیده زندگی خود یکی»بودن–برای–خود» و دیگری «بودن–برای–دیگری» را با هم هماهنگ و مدیریت بکند. سارتر می گوید انسان جز اتکاء به نیروهای مادی و معنوی خود، تکیه گاه دیگری ندارد. او می گوید درست است که طبیعت زیست انسان، دترمینیست یعنی جبرگرا است (یعنی قوانین فیزیکی همین کره زمین بر هر قانون دیگری ارجحیت دارند زیرا حاکم هستند و مثل نور خورشید دست بالا دارد)، اما ما انسانها هم از آنجایی که همزمان اختیار و آزادی داریم، پس می توانیم به کمک بویژه آگاهی همه جانبه و ژرف خود، هوشمندانه و اخلاقی عمل بکنیم. و هدف اصلی هم غنی بخشیدن به کیفیت زندگی انسانی خود است. و اما سوای مهم بودن چنین فلسفه و رویکردی به بودن و هستی انسان، باید همیشه به هر نوع فلسفه و رویکردی، به دید انتقادی نگریست. و بویژه زیرا؛ هم خود انسان موجود بسیار پیچیده است و هم جهان و یا جهان هایی که او را دربرگرفته است.هنوز کاملا همه کلیت ساختمان ذهن انسان کشف نشده است. و دومین ایراد اینکه اگر واقعا آنچه هست و نیست با مرگ فیزیکی انسان، و البته برای خود انسان، به پایان می رسد، پس این چه نیروی ناشناخته است که روز و شب امید انسان به ساختن یک زندگی بهتر و آبرومندانه تر، بیشتر و بیشتر می کند؟ یعنی تلاش شبانه و روزانه که می شود گفت یک نوع عدم پذیرش ماد با نهنیهیلیسم. البته این نوع نیهیلیسم و اگر بشود گفت ورژن اگزیستانسیالیسم سارتر، دو چهره متفاوت دارد.یک، بی معنی و هدف بودن جهان پیش و پس از بودن انسان. دو، همزمان که این جهان اینگونه است، اما انسان نباید از ولو ظرفیت های بیولوژیکی و دیگر توانمندی های همگی محدود خود، ناامید بشود. به بیان دیگر، آگاهی به همه داشته ها و نداشته های خود و علارغم اینکه می دانیم این جهان فیزیکی بیرون از جهان ذهن انسان، ۱۰۰٪ ماده است و ماده، مدیریت چنین پروژه ای خود یک نوع معنی و هدف و یکی از دلایل قانع کننده خوبی برای ادامه زندگی انسانی خود است.